

# بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد

مریم قاضی نژاد \*

الهام ساوالان پور \*\*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین طرد اجتماعی که مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است و آمادگی برای اعتیاد می‌پردازد. در این مطالعه، مؤلفه‌های هفت‌گانهٔ محرومیت مادی، محرومیت جنسیتی، عوامل مطرودساز پیشین، عوامل مطرودساز دوران گذار، فقدان مشارکت اجتماعی، فقدان حقوق اجتماعی و عدم ادغام هنجاری، به‌عنوان ابعاد اصلی طرد اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. برای سنجش متغیر وابسته آمادگی برای اعتیاد از مقیاس بومی شدهٔ آی. ا. پی. اس. استفاده شده است. جمعیت تحقیق دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر تهران می‌باشند که تعداد ۳۸۴ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌عنوان نمونهٔ تحقیق انتخاب شده‌اند. این مطالعه به دلیل تمرکز بر اعتیاد زنان، سعی داشته تا علاوه بر شناسایی علل عام آمادگی برای اعتیاد، عوامل مرتبط با جنسیت و سن را نیز مدنظر قرار داده و از این دیدگاه، مسئلهٔ اعتیاد زنان را به‌طور خاص پیگیری کند. یافته‌ها نشان می‌دهد حدود ۴۰ درصد از جمعیت مورد بررسی، آمادگی متوسط تا زیاد برای اعتیاد از خود نشان داده‌اند. در تحلیل دو متغیره، از ابعاد هفت‌گانه طرد اجتماعی، شش بعد آن در جمعیت نمونهٔ مورد بررسی با متغیر وابستهٔ آمادگی برای اعتیاد رابطهٔ معنی‌دار و مثبت نشان داده‌اند. در تحلیل چند متغیره، دو مؤلفهٔ عوامل مطرودساز دوران گذار (از جوانی به بزرگسالی) و عدم ادغام هنجاری مؤلفه‌هایی بودند که با آمادگی برای

---

\* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء maghazinejad@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۲

مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۸۷

اعتیاد، رابطه قوی و مثبت داشته‌اند. هم‌چنین متغیرهای یاد شده با واسطه متغیر سبک رفتاری، با متغیر وابسته مرتبط بودند.

کلیدواژه‌ها: طرد اجتماعی، گرایش به اعتیاد، محرومیت، عوامل مطرودساز، ادغام هنجاری، سبک رفتاری.

### ۱. مقدمه و طرح مسئله

با وجود تفاوت‌ها و تناقض‌های موجود در آمار اعتیاد مردان و زنان در ایران، مسئله قابل تأمل و مهمی که در پژوهش‌های مرتبط با اعتیاد و روندهای رشد این پدیده در کشور وجود دارد، افزایش نرخ رشد اعتیاد در زنان نسبت به مردان، طی سال‌های اخیر است. به عبارت دیگر، با وجود آن‌که مصرف مواد و گرایش به آن در دهه‌های اخیر در هر دو جنس افزایش یافته است، ولی سرعت افزایش آن در زنان، به طور معناداری بیشتر از مردان بوده است. به عنوان مثال، در حالی که تا سال ۱۳۷۱ تنها ۵/۸ درصد از آغازکنندگان مصرف مواد در جمعیت نمونه معتادان را زنان تشکیل می‌داده‌اند، اما پس از آن و تا سال ۱۳۷۸، این رقم به ۹ درصد (افزایشی در حدود ۸۰ درصد) جهش داشته است (رحیمی موقر، ۱۳۸۳، به نقل از رزاقی و همکاران، ۱۳۷۹). هم‌چنین بنابر اظهارات یک مقام مسئول<sup>۱</sup> میزان مراجعه زنان معتاد به مراکز درمان سرپایی سازمان بهزیستی طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ از ۲/۹ به ۴ درصد رسیده است.<sup>۲</sup> بنابراین واقعیات حاکی از این است که عرصه اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر، از وضعیت تک‌جنسیتی (مردانه) بودن سنتی به سمت دوجنسیتی شدن در شرایط معاصر، پیش می‌رود. هر چند اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر در تمام گروه‌های جمعیتی جامعه مسئله‌ای جدی و قابل بررسی است، اما در جمعیت زنان، آن‌هم در میان اقشار جوان دانش‌آموز و دانشجو، به

<sup>۱</sup> هومن نارنجی‌ها، مجری طرح‌های پژوهشی مرکز آموزشی و پژوهشی سوء مصرف مواد.

<sup>۲</sup> www.iransalamat.com

اعتبار جایگاه و نقش خطیر آنان در خانواده و اجتماع، پیچیدگی و اهمیتی مضاعف می‌یابد. در این راستا، آمارهای موجود و بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن است که با وجود پاره‌ای تصورات خوش‌بینانه، جمعیت دختران دانشجو نیز از درگیر شدن در این روند مستثنی نیست. در این خصوص، در پژوهشی که بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ صورت گرفته است، میزان مصرف حشیش و تریاک در بین دانشجویان دختر به ترتیب ۰/۲ و ۰/۳ درصد بوده است (سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۳: ۶۵)، در حالی که در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ این میزان به ترتیب به ۰/۶ و ۰/۴ درصد افزایش یافته است (طارمیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۷۶). از سوی دیگر بنابر آخرین اطلاعات به دست آمده از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه اعتیاد دانشجویان، در حال حاضر در جامعه ما میانگین تعداد معتادان حرفه‌ای در میان دانشجویان، از میزان معمول آن در سطح جامعه بسیار کمتر است؛ به طوری که مثلاً گفته شده تنها ۰/۵ درصد از مراجعه‌کنندگان به مراکز درمانی ترک اعتیاد، دانشجو هستند.<sup>۱</sup> در عین حال، رشد آمار دانشجویانی که به صورت تفننی یا آزمایشی، اقدام به مصرف مواد مخدر کرده‌اند، نگران‌کننده است. به عنوان مثال، براساس یک نگرش‌سنجی در زمینه اعتیاد در میان دانشجویان، با نمونه ۱۲۶ نفر، معلوم شده است که بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از دانشجویان مورد بررسی اعتقاد داشته‌اند که تنها یک بار مصرف مواد مخدر اعتیادآور نیست<sup>۲</sup> و به اعتقاد صاحب‌نظران، شیوع چنین برداشتی در میان دانشجویان تصویری خطرناک است. پژوهش دیگری در این زمینه نیز نشان می‌دهد که سوء مصرف خودسرانه داروهای مجاز در بین دانشجویان به شدت افزایش یافته است. یافته مهم و

<sup>۱</sup>. گزارش طرح جامع پیش‌گیری از مصرف مواد در میان دانشجویان، بهار ۱۳۸۵

<sup>۲</sup> www.ebtekar news.۵۵۳۲۲۱

قابل توجه این پژوهش، تفاوت مصرف دو جنس و این مسئله است که گرایش به مصرف داروها و قرص‌های اعتیادآور در بین دختران دانشجو بیشتر از پسران بوده است (طارمیان، ۱۳۸۵). بنابر آن چه آمد، هر چند فرآیند درگیری افراد در اعتیاد، از ابتدا تا انتها و در تمامی مراحل، شایسته توجه جدی است، اما بررسی مسئله گرایش به مواد مخدر و عوامل زمینه‌ساز آن در مباحث و برنامه‌های پیش‌گیری و مبارزه با اعتیاد، از اهمیت بالاتری برخوردار است. از این رو، در مقاله حاضر به جای بررسی اعتیاد و معتادان، به صورت بالفعل (پس از وقوع)، استعداد یا آمادگی بالقوه برای ابتلا به اعتیاد در دختران دانشجو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعتیاد نوعی آسیب اجتماعی است که به گواهی شماری از مطالعات و شواهد به دست آمده ریشه در محرومیت‌های مزمن و پردشدگی اجتماعی افراد و گروه‌های خاص در جوامع مختلف دارد. در این رابطه زنان در اغلب جوامع، از جمله گروه‌های پر خطر محسوب می‌شوند (اندرسون، ۱۹۹۸C، ۱۹۹۹). زنان و دختران جامعه مانیز به اقتضای شرایط تاریخی و اجتماعی خود، به عنوان لایه‌ای از جامعه که همواره با محرومیت‌های متعدد و چندگانه مواجه بوده و در مراحل مختلف حیات طرد و محرومیت را در ابعاد گوناگونی تجربه کرده و می‌کنند، می‌توانند به عنوان جمعیتی مستعد و بالقوه برای درگیری با این آسیب قلمداد شوند. در شرایط فعلی، هر چند شواهد و آمارها نشان از درگیری بسیار کمتر زنان نسبت به مردان، با پدیده اعتیاد دارد، اما در گذر زمان و در پی تحولات اجتماعی و تغییر شرایط، همراه با کمتر شدن قیود سنتی و حضور بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی و کاهش کنترل‌های غیررسمی در جامعه، به نظر می‌رسد تداوم طرد و محرومیت اجتماعی زنان به اشکال گوناگون و

<sup>۵۵</sup> طبق گزارش ارزیابی سریع وضعیت سوء مصرف مواد در ایران در سال ۱۳۸۶ جمعیت زنان درگیر اعتیاد ۵ درصد کل معتادان را تشکیل می‌دهد.

در حوزه‌های مختلف، زمینه مساعد و بالقوه برای درگیر شدن بیش از پیش آنان با انواع آسیب‌ها از جمله پدیده اعتیاد را فراهم آورد. بر این اساس هدف ما در این مقاله بررسی میزان آمادگی برای اعتیاد در میان زنان و دختران جوان (دانشگاهی) و تحلیل آن در بستر محرومیت و تجربه طرد اجتماعی بوده است.

لذا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چگونه و تا چه حد، شرایط یا عوامل مطرودساز می‌تواند در آمادگی برای اعتیاد در دختران دانشجو تأثیرگذار باشد؟

## ۲. ادبیات موضوع

### ۲.۱. ادبیات نظری: رویکرد طرد اجتماعی

#### سه خاستگاه مفهوم

محققان خاستگاه اولیه واژه طرد را فرانسه و سپس انگلستان می‌دانند. در فرانسه دهه ۱۹۷۰، مفهوم مطرود (طردشده) به گروه‌های مختلفی از مردم اطلاق می‌شد که از حمایت‌های دولتی کنار گذاشته شده بودند. این افراد به عنوان «مشکلات/ مسایل اجتماعی»<sup>۱</sup> برچسب خورده و شامل کسانی می‌شدند که مورد حمایت بیمه اجتماعی نبوده و به ویژه افراد جوان، مسن، ناتوانان جسمی و افراد تک‌والد را در برمی‌گرفتند (ای. اس. سی. دلیو، ا. ۲۰۰۷: ۲). اما بعد از بحران اقتصادی دهه ۸۰ و قانون همکاری ملی از مفهوم طرد اجتماعی به صورتی وسیع‌تر استفاده شد و این اصطلاح برای کارگران جوان و پیر فاقد مهارت که بر اثر شوک‌های نفتی و صنعتی شدن بیکار شده بودند، به کار رفت (جهوئل، ۲۰۰۷: ۲). از این رو مفهوم طرد اجتماعی در ابتدا، فرآیند فقدان انسجام اجتماعی و گسیختگی پیش‌رونده در زمینه ارتباط میان فرد و جامعه در گروه‌های مسئله‌دار اجتماعی را بیان می‌کرد؛ اما در ادامه، دامنه مفهوم طرد اجتماعی به

<sup>1</sup> Social problems

<sup>2</sup> Escwa

رنج بردن از محرومیت‌های چندگانه در مناطق دچار محرومیت نیز کشیده شد. در انگلستان نیز بسیاری از محققان رواج واژه طرد را از اواسط دهه ۱۹۸۰ و سپس اوج گیری آن را پس از روی کار آمدن دولت کارگری انگلستان در ۱۹۹۷ می‌دانند (پیس، ۲۰۰۱: ۱۸).

### سه مفهوم طرد اجتماعی (عام)

این مفهوم، سازه‌ای چندبعدی<sup>۱</sup> است که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به‌طور هم‌زمان و همراه با فرآیندهای شکل‌گیری و تعامل میان آن‌ها در برمی‌گیرد. لذا طرد اجتماعی، رویکردی جدید در ادبیات علوم اجتماعی است که از دهه ۱۹۷۰ وارد گفتمان علمی و سیاست اجتماعی اروپا شده و سپس در دیگر کشورها مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. لذا تعریف جامع و مانع آن آسان نیست و تنوع و نیز تردیدهایی در مورد فضای مفهومی، معرف‌های اصلی و قرابت محتوایی و ارتباط آن با مفاهیم کلاسیک اجتماعی نظیر فقر و نابرابری وجود دارد.

پیس (۲۰۰۱) از صاحب‌نظران مطرح این حوزه در تلاش برای ارائه تعریفی جامع از مفهوم طرد اجتماعی در یک تقسیم‌بندی دوگانه، ابتدا تعریفی محدود و سپس تعریفی گسترده از طرد ارائه نموده است؛ در تعریف اولیه و محدود، وی طرد را مترادف فقر درآمدی و وضعیت افرادی دانسته که نمی‌توانند به بازار کار درآمدزا ملحق شوند و یا کاری با دستمزد پایین دارند. اما در تعریف گسترده، واژه مذکور معنایی بسیار وسیع‌تر از فقر، نابرابری درآمدی، محرومیت یا فقدان شغل دارد. در تعریف اخیر، طرد مفهومی چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که فقدان منابع و یا نداشتن حقوق اجتماعی و فرآیندی پویا در طول زندگی افراد محروم را نشان می‌دهد. پویایی فرآیند طرد ناشی از

<sup>1</sup> Multidimensional

محرومیت چندگانه، گسست پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی و گم کردن هویت و هدف است. امروزه طرد، در این معنا به کار گرفته می‌شود (پیس، ۲۰۰۱: ۲۶).

بورچارت (۲۰۰۰)، صاحب‌نظر دیگر بحث می‌کند که فقدان مشارکت در فعالیت‌های اصلی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در یک جامعه عنصری کلیدی در اغلب تعاریف موجود از طرد اجتماعی است که آن را از مفاهیمی مانند فقر و محرومیت متفاوت می‌سازد (مورگان و دیگران، ۲۰۰۰: ۳۲۰؛ بورچارت، ۲۰۰۷: ۴۷۹).

#### سه هم‌پوشانی مفهومی

اگرچه واژه طرد اجتماعی هم‌پوشانی زیادی با محرومیت اجتماعی<sup>۱</sup> و فقر<sup>۲</sup> دارد اما در دهه‌های اخیر، برای برچسب‌زدایی از واژه محرومیت، و نیز به دلیل رساتر بودن و پوشش گسترده‌تر جنبه‌های مختلف آسیب‌دیدگی‌های اجتماعی، مفهوم طرد اجتماعی که بر حسب عوامل و شرایط ایجادکننده مدلی تحلیلی‌تر داشته و بر فرآیندی بودن محرومیت تأکید دارد، جایگزین واژه محرومیت شده است. از سویی دیگر فقر به معنای وضعیت محرومیت از منابع است که افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که طرد اجتماعی، فرآیند فقیر شدن ناشی از انباشت و تعامل عوامل خطرزای اجتماعی است. در اندازه‌گیری و سنجش نیز فقر به عنوان محرومیت مادی سنجیده می‌شود؛ در حالی که برای برآورد طرد اجتماعی ابعاد بیشتری باید مد نظر قرار گیرد (استرنج، ۲۰۰۷: ۱). چنان‌که پاسکل (۲۰۰۴) اشاره می‌کند فقر اساساً وضعیت نابرابری اقتصادی یا درآمدی است، در حالی که طرد متوجه نابرابری اجتماعی و محرومیت از مشارکت کامل در زندگی اجتماعی است که محدود به فقر درآمدی نبوده بلکه فراتر

<sup>1</sup> Social deprivation

<sup>2</sup> Poverty

از آن است (یونیسف، ۲۰۰۷: ۱). بنابراین طرد اجتماعی، مفهومی بسیار پیچیده و چند بعدی است و سنجش آن نیاز به معرف‌های ترکیبی دارد.

### مفهوم طرد اجتماعی (خاص): طرد زنان و جوانان

در حوزه بحث طرد اجتماعی، تعدادی از گروه‌های اجتماعی، جمعیت‌های در معرض خطر، محسوب می‌شوند. از جمله این جمعیت‌ها، دو گروه مهم یعنی «زنان» و «جوانان» هستند که بیش از سایر افراد در معرض طرد شدن به معنای خاص قرار دارند. این در حالی است که داشتن فاکتورهای مطرودساز چندگانه نظیر جنسیت، سن، قومیت، نژاد و نظایر آن، به‌طور همزمان و در تلاقی با یکدیگر، ممکن است احتمال طرد شدن در چنین گروه‌هایی را بسیار قوت ببخشد.

در این زمینه در گزارش یونیسف (۲۰۰۷) آمده است که طرد اجتماعی به ویژه مبتنی بر عامل سن است که در ترکیب با جنسیت - به‌عنوان حامل‌های اصلی محرومیت - منجر به این می‌شود که به‌طور مثال در اغلب جوامع آسیایی، دختران کم سن و سال محروم‌ترین افراد از نظر دسترسی به خدمات اجتماعی، حقوق اساسی و نیز حقوق کودک باشند. بر این اساس در اغلب جوامع، زنان و دختران جوان با دارا بودن دو مشخصه مهم طردزا، یعنی زن بودن و در عین حال جوان بودن، منطقی و عموماً جزو گروه‌های پرخطر<sup>۱</sup> در زمینه طرد اجتماعی محسوب می‌شوند. از این منظر، علاوه بر عواملی که به‌صورت عام زمینه‌ساز طرد اجتماعی قلمداد می‌شوند، توجه به نقش دو عامل جنسیت و جوان بودن، به‌عنوان عوامل خاص در شکل‌گیری طرد و محرومیت و پیامدهای آسیبی آن در گروه‌های مذکور ضرورت می‌یابد.

در این زمینه سیلور (۲۰۰۴) از صاحب‌نظران و محققان به‌نام حوزه طرد اجتماعی و طرد جوانان در خاورمیانه، یادآور شده است که هرچند جوانی مرحله‌ای از انتقال عادی به

<sup>1</sup> High risk



بزرگ‌سالی است و از این جهت نمی‌توان بحث از طرد اجتماعی جوانان<sup>۱</sup> کرد اما جوانی و جوانان به عنوان یک پایگاه یا گروه اجتماعی در جوامعی که بر مبنای تفکیک‌های سنی و محدودیت‌های ساختاری و نهادی از مشارکت کامل در زندگی اجتماعی بزرگ‌سالی برخوردار نیستند، موضوع طرد اجتماعی بوده و وضعیت طرد یا شمول آنان در جوامع مختلف (اروپایی و خاورمیانه) از این جهت قابل بررسی است. بنابراین تقاطع جوانی با دیگر ابعاد محرومیت - نظیر عدم اشتغال، زن بودن، معلولیت و نظایر آن - طرد اجتماعی را چارچوب مفیدی برای تحلیل مشکلات جوانان می‌سازد (سیلور، ۲۰۰۴: ۶).

### س‌دیدگاه‌ها و نظریه‌های طرد اجتماعی

در تحلیل طرد اجتماعی و رویکردهای مختلف در زمینه علل و شرایط ایجاد آن، مشهورترین طبقه‌بندی، متعلق به سیلور (۱۹۹۵) جامعه‌شناس معاصر آمریکایی است. او سه پارادایم حاوی الگوهای علی طرد را چنین برمی‌شمارد:

#### ۱. رویکرد همبستگی<sup>۲</sup>

مطابق با این رویکرد - مشهور به رویکرد فرانسوی - از آن‌جا که پایه انسجام اجتماعی بر همبستگی ارگانیک میان افراد و جامعه قرار دارد و نظم اجتماعی از یک سو مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و از سوی دیگر سیاست‌های اجتماعی ادغام‌گر انتظام می‌یابد، بنابراین طرد اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یا گروه‌ها از مرز هنجارهای مفروض جامعه عبور کرده، از مشارکت اجتماعی فاصله بگیرند و نیز دولت‌ها از تأمین همبستگی اجتماعی ناتوان باشند. این دیدگاه کارکردگرایانه طرد اجتماعی را در نقطه مقابل ادغام اجتماعی قرار می‌دهد (سیلور، ۱۹۹۵: ۳).

<sup>1</sup> Youth social exclusion

<sup>2</sup> Solidarity Approach

## ۲. رویکرد تخصصی شدن<sup>۱</sup>

در این رهیافت - که به رویکرد آنگلو ساکسون نیز معروف است - جامعه به عنوان مجموعه‌ای از افراد دارای حقوق و وظایف معین و در رقابت با یکدیگر درک می‌شود. هم‌چنین نظم و پیوندهای اجتماعی حاصل تعاملات داوطلبانه بین افراد است. بنابراین دو نوع طرد اجتماعی در چنین شرایطی می‌توان برشمرد: یکی طرد تحمیلی که به واسطه عدم قابلیت و شکست در جامعه رقابتی در عرصه‌های مختلف برای محرومان به وجود می‌آید و دیگری طرد ارادی که فرد - چه محروم و چه غیر محروم - از روی اختیار با جامعه قطع ارتباط می‌کند. در چنین بینشی، افراد در هر حال مسئول اقدامات خود هستند و در یک مسیر رقابتی با انتخاب و عاملیت خود در جامعه ادغام و یا از آن طرد و محروم می‌شوند (ای. اس. سی. دبلیو. ا، ۲۰۰۷: ۲).

## ۳. رویکرد انحصار<sup>۲</sup>

در این دیدگاه - که مختص جوامع دارای ساختار سلسله‌مراتبی و ترکیبی از دو گروه دارای قدرت و منابع یا فاقد این دو می‌باشد - طرد اجتماعی حاصل روابط قدرت و تضاد میان دو گروه مذکور است. در این رویکرد، انحصار و کنترل منابع و امتیازات از سوی گروه‌های دارای قدرت از طریق انسداد اجتماعی و طرد گروه‌های فاقد قدرت از صحنه، شکل گرفته و تداوم پیدا می‌کند. لذا طرد با محروم‌سازی مترادف شده و مشابه تبعیض - نابرابری در فرصت‌ها - قلمداد می‌شود (همان، ۲-۳).

در ارتباط با رویکردهای مذکور، نظرات و دیدگاه‌های تنی چند از اندیشمندان شاخص حوزه علوم اجتماعی نیز قابل تأمل است:

<sup>1</sup> Specialization Approach

<sup>2</sup> Monopoly Approach

گیدنز: گیدنز طرد اجتماعی را ناشی از شیوه‌هایی می‌داند که طی آن‌ها، افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند. وی برای توضیح این مفهوم، از مفهوم زیر طبقه<sup>۱</sup> کمک می‌گیرد؛ زیر طبقه بخشی از جمعیت است که در شرایط فوق‌العاده محروم و در حاشیه‌های جامعه زندگی می‌کند. این افراد دوره‌های طولانی بیکاری (یا شغل‌های جسته - گریخته و زودگذر) را تجربه می‌کنند و برای تأمین مایحتاج خود عمدتاً به کمک‌های دولتی وابسته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶۱ و ۴۳۱).

گیدنز مفهوم طرد اجتماعی را کلی‌تر و گسترده‌تر از مفهوم زیر طبقه می‌داند. به عقیده وی این مفهوم، این مزیت را دارد که بر فرآیندها- سازوکارهای طرد - تأکید می‌کند و دلالت بر طیف وسیعی از عواملی دارد که افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که پیش روی اکثر جمعیت است، باز می‌دارد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶۶).

آمارتیا سن: سن با به کارگیری مفهوم /قابلیت/ عنصر جدیدی را وارد حوزه محرومیت نموده و بر اساس آن /طرد قابلیت/ را تعریف کرده است. به عقیده او قابلیت یعنی آن چه که مردم واقعاً قادر به انجام آن هستند. به عنوان مثال، یک فرد معلول در مقایسه با یک فرد سالم با درآمدی مساوی در موقعیت نامناسب‌تری به سر می‌برد، زیرا او از یک محرومیت قابلیت (و نه درآمدی) رنج می‌برد (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴). این محقق مفهوم طرد را وسیع‌تر از آن چه که تا آن موقع در ادبیات نظری آمده بود بیان می‌کند و معتقد است که طرد اجتماعی می‌تواند یکی از اجزاء سازنده محرومیت قابلیت باشد، همان‌طور که می‌تواند دلیلی برای فقدان قابلیت‌های گوناگون باشد. هم‌چنین به عقیده سن، طرد می‌تواند فرد را به سمت محرومیت‌های

<sup>1</sup> Underclass

دیگری نیز سوق دهد و فرصت‌های موجود در زندگی را برای او محدودتر کند. به عنوان مثال، طرد شدن از موقعیت شاغل بودن، می‌تواند فرد را به سمت شرایط بد اقتصادی و به تبع آن محرومیت‌های دیگر نظیر سوء تغذیه و بی‌خانمانی، هدایت کند (سن، ۲۰۰۰: ۳-۴). او زبان طرد را یک زبان تطبیق‌پذیر می‌داند که می‌توان مفاهیم فراوانی را به وسیله آن توضیح داد.

در واقع سن با تمرکز بر روی ویژگی نسبی بودن در توضیح فرآیند طرد، آن را مرتبط با مفهوم «محرومیت نسبی» می‌داند (همان). به عقیده سن، محرومیت نسبی از درآمد، می‌تواند به محرومیت مطلق از حیث قابلیت منجر شود. در جامعه‌ای که محرومیت نسبی از درآمد وجود داشته باشد، حاشیه‌نشینی اقتصادی و به تبع آن حاشیه‌نشینی اجتماعی پدید می‌آید (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴: ۱۱).

زیبرا: در مقایسه با نظرات گیدنز و سن، دیدگاه زیبرا در زمینه طرد اجتماعی، شامل هر دو بعد عینی و ذهنی طرد، به ویژه بعد دوم است. وی با ترسیم خطوط و الگوهای کلی از مفهوم طرد، قالبی ارائه می‌کند که می‌تواند مشتمل بر مصادیق عینی / مادی نظیر بیکاری، بی‌خانمانی، فقر و سایر مواردی باشد که در سنت جامعه‌شناسی به عنوان مشخصه‌های طرد اجتماعی شناخته شده است و یا در برگیرنده مصادیق ذهنی / غیرمادی مانند شخصیت، سلامت روحی و روانی و غیره باشد. او قلمروهای متعددی را برای طرد اجتماعی افراد در نظر می‌گیرد که محدودیت در هر یک از این قلمروها و ناهماهنگی در به دست آوردن هنجارهای هر یک از آنها، می‌تواند منجر به نوعی طرد گردد. البته زیبرا هم مانند مانک (۲۰۰۲) معتقد است شکست در یک قلمرو اجتماعی به طرد نمی‌انجامد. بلکه تعدد شکست‌ها و نقص‌ها است که می‌تواند منجر به طرد اجتماعی گردد. به این معنا که جامعه می‌تواند تفاوت با هنجارها یا اجتناب از آنها را در یک مورد بپذیرد، اما وقتی این تفاوت‌ها متعدد شده و انباشته می‌شوند، تحمل آن

برای جامعه غیر ممکن می‌شود. وی نقطه مشترک اشکال متعدد طرد را / گسستگی / فرد از روابط اجتماعی می‌داند. از نظر او، گسستگی در پیوند اجتماعی و نیز در پیوند سمبولیک که هر فرد را در موارد عادی به جامعه‌اش مرتبط می‌سازد، وقتی رخ می‌دهد که فرد از یکی از قلمروهای اجتماعی طرد شده و تمام روابطی را که او را متصل با دیگران و هنجارهای مشترک نگه می‌دارد، از دست می‌دهد. نکته جالب توجه در این دیدگاه آن است که زیرا مفهوم گسستگی را تا سطح گسستگی از خود و تصویری که انسان از خویش ساخته (هویت) تعمیم می‌دهد (زیبرا، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱).

از مجموع رویکردها و نظریات مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که طرد اجتماعی، جریان و فرآیندی چندبعدی، پویا و مزمن است که در بستری از ویژگی‌های فردی (جنسیت، سن و نظایر آن)، شرایط موقعیتی و محیط اجتماعی - فرهنگی، افراد گرفتار فقر، تبعیض و محرومیت‌های چندگانه را آسیب‌پذیر ساخته و احتمال درگیر شدن و گرایش به رفتارهای پرخطر، از جمله مصرف و سوء مصرف مواد مخدر را در آن‌ها افزایش می‌دهد.

## ۲.۲. ادبیات تجربی

در بررسی ادبیات تجربی مرتبط با طرد اجتماعی و اعتیاد، شواهد تجربی متعددی مبنی بر وجود رابطه بین این دو مفهوم به دست آمد.

با این حال، با توجه به نوپابودن بحث طرد در حوزه علوم اجتماعی و توجه اندکی که تا امروز به این مفهوم در ایران شده، پژوهش داخلی در این زمینه یافت نشد. اما در حوزه مطالعات خارجی، پژوهش‌های تجربی متعددی در خصوص رابطه طرد اجتماعی و اعتیاد انجام شده است. بنابراین گزارش اس. ای. یو.<sup>۱</sup> از جمله یافته‌های کلیدی این

<sup>۱</sup> SEU

مطالعات این بوده است که غالب معتادان، اعضای محروم‌ترین و مطرودترین اجتماعات هستند. هم‌چنین در بخش قابل توجهی از کسانی که برای درمان اعتیاد مراجعه می‌کنند، طرد و محرومیت، به عنوان عوامل مقدم و پیشین در شروع، ادامه و ترک مواد مخدر شناخته شده‌اند (اس. ای. یو، ۲۰۰۴: ۱۱).

از جمله محققان مطرح در حوزه جامعه‌شناسی که به طور متمرکز، روی رابطه طرد اجتماعی و اعتیاد در گروه‌های مختلف کار کرده است تامی آندرسون (۱۹۹۴) می‌باشد که تعدادی از کارهای شاخص او در این زمینه عبارت است از:

سانواع انتقال هویت در دوره‌های سوء مصرف و ترک مواد (اندرسون، ۱۹۹۳)

هویت و سوء مصرف مواد: پیوند بین عوامل خرد و کلان (اندرسون، ۱۹۹۴a)

نظام اجتماعی، مدیریت داغ، و ترک اعتیاد (اندرسون، ۱۹۹۴b)

یک نظریه فرهنگی - هویتی در رابطه با سوء مصرف مواد (اندرسون، ۱۹۹۸a)

س تغییر هویت مرتبط با مواد: توسعه نظری و ارزیابی تجربی (اندرسون، ۱۹۹۸b)

س تغییر هویت مرتبط با مواد: فرآیندها، نژاد و جنسیت (اندرسون، ۱۹۹۸c)

نتایج پژوهش‌های متعدد وی در سطوح سه‌گانه خرد، میانه و کلان حاکی از این است که تجربه طرد و حاشیه‌نشینی اجتماعی در گروه‌های جنسی، قومی/نژادی و طبقاتی مختلف در آمریکا، در شروع، ادامه و ترک سوء مصرف مواد مخدر تأثیر به‌سزایی داشته است.

### ۲.۳. چارچوب نظری پژوهش

چنان‌که آمد، چارچوب طرد اجتماعی یک الگوی اجتماعی جدید و جامع برای درک و مفهوم‌سازی ماهیت و بستر اجتماعی گرایش و وابستگی به مواد مخدر - و نیز چرخه تداوم پیشرفت و ترک و بازگشت معتادان حرفه‌ای از سبک زندگی اعتیادی به زندگی سالم - محسوب می‌شود. این چارچوب اساساً مشتمل بر فقر و محرومیت مزمن و

تبعیض‌های ساختاری و نیز شامل فاکتورهای تأثیرگذار فردی و اجتماعی است که بعضاً مورد توجه الگوهای سنتی تحلیل اعتیاد بوده اما در پژوهش‌های اخیر در حوزه اعتیاد، تأثیرات تعاملی و برآیندی آن‌ها در دراز مدت مورد توجه محققان و صاحب‌نظران در الگوی طرد اجتماعی قرار گرفته است.

گفته شده طرد اجتماعی شرایطی نیست که در یک لحظه حاصل شود. بلکه نتیجه فرآیندی است که با اشکالی از به حاشیه رانده شدن<sup>۱</sup> شروع می‌شود و ممکن است به تدریج به سمت طرد کامل اجتماعی کشیده شود (مانک، ۲۰۰۲: ۳).

از این رو مفهوم حاشیه‌نشینی اجتماعی می‌تواند مفهومی هم‌سنخ با مفهوم طرد اجتماعی و حلقه‌ای از فرآیند شکل‌گیری این پدیده قلمداد گردد.<sup>۲</sup>

در این زمینه، چنان‌که در بخش ادبیات تجربی آمد، از جمله نظریه‌پردازان و محققان معاصر که به بررسی متغیر طرد یا به حاشیه رانده شدن و رابطه آن با اعتیاد پرداخته است، اندرسون (۱۹۹۴-۱۹۹۸) می‌باشد. وی متغیر به حاشیه رانده شدن یا طرد اجتماعی را از عوامل مؤثر در بروز اعتیاد می‌داند که می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم با این پدیده رابطه داشته باشد. در توضیح رابطه غیرمستقیم طرد اجتماعی با متغیر اعتیاد، وی از مفهوم هویت سودجسته و فرآیند این رابطه را به اختصار این‌گونه شرح می‌دهد که تجربه شرایط و حوادث مطروذساز (نظیر محرومیت‌های مادی، محرومیت‌های اجتماعی، شرایط نابه‌سامان دوران کودکی، آزارهای مکرر روحی و جسمی در

### <sup>1</sup> Marginalization

۲. بنابر قرابت مفهومی و ماهیت یکسان طرد و حاشیه‌نشینی اجتماعی در اندیشه صاحب‌نظران این حوزه، در این مقاله نیز دو واژه Marginalization یا به حاشیه رانده شدن و Exclusion یا طرد اجتماعی به تسامح معادل هم در نظر گرفته شده‌اند.

خانواده یا جامعه و نظایر آن) در زندگی گذشته و کنونی فرد، می تواند منجر به شکل گیری اختلال های هویتی در فرد گردیده و وی را در جهت ترمیم آسیب های هویتی، به سمت احراز هویت های جدید سوق دهد. در این حالت، چنانچه شرایط و زمینه های مساعد اعتیاد نظیر دسترسی به مواد و یا ارتباط با گروه های خرده فرهنگی مرتبط با مواد مخدر وجود داشته باشد، فرد در پاسخ به اختلال های هویتی مذکور و در پی هویت جایگزین، به سوی عضویت در گروه های خرده فرهنگی مرتبط با مواد مخدر و نهایتاً اعتیاد سوق پیدا می کند (اندرسون، ۱۹۹۴). علاوه بر سازو کارهای رابطه غیرمستقیم طرد با اعتیاد، تجربه ها و شرایط مطروذ ساز می تواند به طور مستقیم نیز بر گرایش به اعتیاد مؤثر واقع شود. پرداختن به رابطه غیرمستقیم متغیر طرد با اعتیاد از نگاه اندرسون را به مجال دیگری وا می گذاریم. در این مقاله بر آن بوده ایم تا به بررسی رابطه مستقیم طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد بپردازیم.

اندرسون در تئوری خود، متغیر طرد اجتماعی را در کنار عامل مهم دیگر، یعنی منابع تعین اجتماعی<sup>۱</sup>، در بروز پدیده اعتیاد مؤثر می داند. به عقیده او طرد اجتماعی برای تکمیل چرخه اثرگذاری خود، نیاز به قرار گرفتن در کنار عاملی دارد که وظیفه تعین و هویت بخشیدن به فرد مطروذ را بر عهده می گیرد. مفهوم منبع تعین اجتماعی در چشم انداز کنش متقابل گرا، به /دیگران مهم/ در دنیای اجتماعی پیرامون فرد اشاره دارد؛ گروه هایی با هنجارهای خاص که فرد را در خود می پذیرند، به او ارزش می دهند و کمک می کنند که هویت جدید خود را در این گروه ها تعریف کند. در این زمینه، به ویژه گروه های خرده فرهنگی مرتبط با مواد در دنیای جوانان امروزی مد نظر اندرسون است که فضا و فرصتی مناسب برای دستیابی به تعین اجتماعی فراهم می سازند (اندرسون، ۱۹۹۸: ۱۶۷).

<sup>1</sup> Social appraisal sources



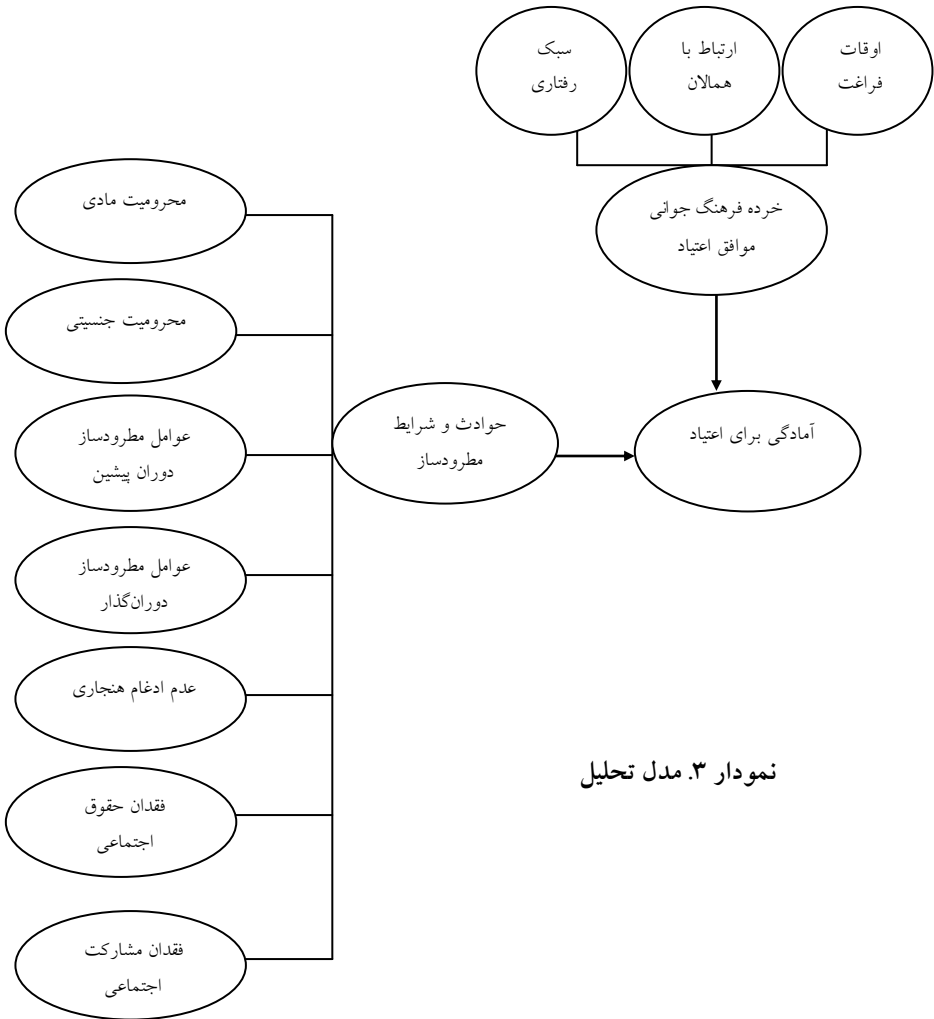
بنابراین متغیر منابع تعیین اجتماعی در نظریه اندرسون، با توجه به جوان بودن جمعیت تحقیق ما می‌تواند بر اساس معانی و تعریف آن در مفهوم خرده‌فرهنگ جوانی بازبینی شود.

خرده‌فرهنگ جوانان محملی برای ابراز هویت و ارتباط آنان با خود و اجتماع خود، ابزاری برای مراقبت جوانان از تحمیل قدرت اجتماع بزرگ‌سالان بر ایشان و متقابلاً ابزاری برای مراقبت جوانان از تفویض کنترل کامل خویش به عرصه بزرگ‌سالان است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۴۹).

این فرهنگ در اشکال مختلف و با نشانه‌های گوناگون متجلی می‌شود. آبرکامی و وارد (۱۹۹۶) سه ویژگی را برای خرده‌فرهنگ‌های جوانی برمی‌شمرند:

۱. الگوی فراغت ۲. گروه همالان ۳. سبک (همان).

این سه ویژگی که مظهر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در میان جوانان است، می‌تواند متناظر با متغیر منابع تعیین اجتماعی در الگوی اندرسون قلمداد شود. بنابراین خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد، یعنی خرده‌فرهنگی که الگوی فراغت، ارتباط با همالان و سبک رفتاری در آن به گونه‌ای باشد که رفتارها و هنجارهای موافق اعتیاد را پیروراند، می‌تواند منبعی برای تعیین اجتماعی دختران جوان برخاسته از بسترهای خانوادگی و اجتماعی تبعیض آلود و طردآمیز با هویت آسیب‌دیده باشد که برانگیزاننده و ترغیب‌کننده آنان به سمت اعتیاد خواهد بود. بر این اساس و با طراحی و تدوین مدلی که برآیند نظریات مذکور می‌باشد، الگو و چارچوب نظری پیشنهادی ما به شکل نمودار شماره ۳ ارائه می‌شود:



نمودار ۳. مدل تحلیل

## ۲. ۴. فرضیه‌های تحقیق

با توجه به پرسش اصلی مقاله حاضر و چارچوب نظری آن، در این بررسی فرضیات کلی زیر مورد آزمون تجربی قرار گرفته‌اند:

- بین عوامل / شرایط مطرودمساز و آمادگی برای اعتیاد رابطه وجود دارد.

- بین خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد و آمادگی برای اعتیاد رابطه وجود دارد.

هم‌چنین علاوه بر آزمون فرضیات اصلی فوق، رابطه بین اجزای هر یک از دو متغیر مستقل با متغیر وابسته نیز مورد بررسی قرار گرفت.

### ۳. روش‌شناسی

سرروش تحقیق پژوهش حاضر روش پیمایش<sup>۱</sup> می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل (به صورت حضوری) در دانشگاه‌های دولتی و آزاد شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ است.

سه جهت نمونه‌گیری این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب که با تهیه فهرستی از دانشگاه‌های دولتی و واحدهای دانشگاه آزاد شهر تهران، هر یک از آن‌ها به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده و پس از نمونه‌گیری تصادفی ساده در بین آن‌ها، دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علم و صنعت، الزهراء و هنر از بین دانشگاه‌های دولتی و واحدهای جنوب، شمال و علوم پزشکی از بین واحدهای دانشگاه آزاد به عنوان خوشه‌های اصلی انتخاب شده‌اند. سپس با به دست آوردن جمعیت دانشجویان دختر هر یک از این دانشگاه‌ها و تجمیع آن‌ها تعداد کل این جمعیت  $N = 66307$  به دست آمده است.<sup>۲</sup>

سه حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، با دقت برآورد  $d = 0/05$  و حداکثر واریانس  $p.q = 0/25$  و سطح اطمینان  $d = 0/99$ ، معادل  $n = 384$  نفر تخمین زده شده است. برای تعیین سهم نمونه در هر دانشگاه، از روش طبقه‌بندی متناسب با حجم - بر حسب مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، و نیز

<sup>1</sup> survey

<sup>۲</sup> برای اطلاع از تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، از آمار رسمی وزارت علوم در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ استفاده شد. اما از آن‌جا که در مورد تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد، آمار رسمی دقیقی در دسترس نبود با مراجعه حضوری به هر یک از واحدهای مذکور، آمار مورد نظر به دست آمد.

گروه‌های پنج‌گانه علوم پزشکی، هنر، فنی و مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه - استفاده گردیده است. خلاصه و نتیجه عملیات فوق در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. تعداد نمونه به تفکیک گروه و مقطع تحصیلی

گروه مقطع	علوم پایه	فنی/مهندسی	علوم پزشکی	هنر	علوم انسانی	جمع
کاردانی	-	-	۵	-	-	۵
کارشناسی	۵۱	۵۶	۳۱	۱۴	۱۰۹	۲۶۱
کارشناسی ارشد	۹	۲۱	۱۰	۹	۳۶	۸۵
دکتری	۲	۹	۱۵	-	۷	۳۳
جمع	۶۲	۸۶	۶۱	۲۳	۱۵۲	۳۸۴

داده‌های مورد نیاز، به صورت مصاحبه و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه (در دو بخش محقق ساخته و استاندارد) گردآوری شده است.

۳. ۱. تعاریف مفاهیم و متغیرها

۳. ۱. ۱. متغیر وابسته: آمادگی برای اعتیاد

تعریف مفهومی: بنا به تعریف، در هر  $N$  نمونه از افراد تحت شرایط محرک یکسان، احتمال ابتلا یا عدم ابتلا به مواد مخدر برای همه یکسان نیست. بلکه فاکتورهای نظام مند و قابل شناسایی وجود دارد که با رفتارهای مصرف مواد که منجر به وابستگی می‌شود، ارتباط متقابل دارند. به طور سنتی این پدیده آشکار/آمادگی برای اعتیاد/نامیده می‌شود (جندرو و جندرو، ۱۹۷۰؛ به نقل از گریور، ۱۳۸۴: ۶۰).

تعریف عملیاتی: برای سنجش متغیر آمادگی برای اعتیاد، در این پژوهش از یک مقیاس به نام آی.ا.پی.اس<sup>۱</sup> استفاده شده است. این مقیاس با توجه به نقش پیش‌گیری از اعتیاد و شناسایی افراد در معرض خطر، از طریق روش‌های غیر آزمایشگاهی و پزشکی و به‌ویژه آزمون روان‌شناختی ساخته شده است. به منظور تهیه این پرسش‌نامه بر اساس زمینه‌ها و عوامل شخصیتی گرایش به اعتیاد که در تحقیقات متعدد نشان داده شده‌اند، شش عامل روان‌شناختی مرتبط با اعتیاد تحت عنوان افسردگی، ناتوانی در ابراز وجود، هیجان‌خواهی بالا، رفتار ضد اجتماعی، میل به مصرف مواد و نگرش مثبت به مواد مخدر مطرح نظر قرار گرفته‌اند.

مقیاس آی.ا.پی.اس. بومی‌سازی شده مقیاس ا.پی.اس.<sup>۲</sup> (آمادگی برای اعتیاد) می‌باشد که براساس ویژگی‌های فرهنگ ایرانی بازسازی شده است و اعتبار و روایی آن مورد تأیید کارشناسان این حوزه قرار گرفته است.<sup>۳</sup>

این مقیاس مشتمل بر ۳۴ گویه است و مجموع نمرات به دست آمده از این گویه‌ها، پس از رمز‌گذاری و استخراج نمرات هر گویه، نشانگر میزان آمادگی فرد مصاحبه‌شونده برای اعتیاد می‌باشد.

<sup>۱</sup> Iranian Addiction Potential Scale (IAPS)

<sup>۲</sup> Addiction Potential Scale (APS)

<sup>۳</sup> طرح اصلی این مقیاس دکتر یدالله زرگر، استاد روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است که با تغییر در مقیاس APS، مقتضیات فرهنگ ایرانی را وارد آن نموده و آن را به شکل یک مقیاس بومی بازسازی کرده است. اعتبار و روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعدد به اثبات رسیده (ر.ک قسمت اعتبار و پایایی متغیرها).

۳. ۱. ۲. متغیرهای مستقل

الف) عوامل / شرایط مطرودساز

تعریف مفهومی: عوامل / شرایط مطرودساز، متغیری است که بر اساس مفهوم طرد اجتماعی تعریف شده است. طرد اجتماعی بنا به تعریف زیبرا (۱۳۸۱) جدا افتادن از هنجارهای اصلی جامعه و نابرابری در برخورداری از فرصت‌هاست. با توجه به چندبعدی بودن مفهوم طرد اجتماعی، ۷ بعد اصلی برای تعریف عملیاتی این مفهوم در نظر گرفته شده است که این ابعاد به تناسب موضوع پژوهش و جمعیت تحقیق انتخاب شده و عبارت‌اند از: محرومیت مادی، محرومیت جنسیتی، عوامل مطرودساز پیشین، عوامل مطرودساز دوران‌گذار، فقدان حقوق اجتماعی، فقدان مشارکت اجتماعی و عدم ادغام هنجاری. هم‌چنین بنا به تعریف زیبرا (۱۳۸۵) مفهوم طرد اجتماعی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است. لذا در نظر گرفتن این دو وجه برای برخی از ابعاد، بنابر محتوای آن‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است برای تعریف عملیاتی متغیر اصلی فوق، لازم است تا به تعریف عملیاتی ابعاد آن پردازیم:

الف-۱) محرومیت مادی

تعریف عملیاتی

بعد عینی: برای تعریف عملیاتی مفهوم محرومیت مادی، از گویه‌های طراحی شده در مقیاس اس. سی. پی.<sup>۱</sup> استفاده شده است که برای سنجش مفهوم طرد اجتماعی پنج شاخص هزینه ثابت زندگی، شکست در دستیابی به اهداف به دلیل شرایط نامساعد مالی، عدم توانایی تهیه کالاهای مصرفی اولیه، شکست در دستیابی به اهداف در

<sup>1</sup> The Netherlands Institute for Social Research/

طول دو سال گذشته به دلیل شرایط نامساعد مالی و بالاخره عدم توانایی پرداخت هزینه کلاس‌های فوق برنامه در نظر گرفته شده است.<sup>۱</sup>

بعد ذهنی: در بعد ذهنی شاخص‌های نگرانی نسبت به وضعیت مالی از مقیاس اس. سی. پی. و هم‌چنین شاخص‌های رضایت از هزینه ماهانه، درجه رضایت از محل سکونت و مقایسه شرایط زندگی با گروه دوستان مطرح شده‌اند.

### الف-۲) محرومیت جنسیتی

برای عملیاتی کردن شاخص محرومیت جنسیتی دو بعد خانواده و جامعه در نظر گرفته شده است که در بعد خانواده شاخص‌های میزان برابری در تخصیص امکانات بین فرزندان مذکر و مؤنث خانواده نظیر امکان ادامه تحصیل، تأمین هزینه‌ها و مخارج تحصیل، فراهم کردن محیط آرام در خانه و...؛ در بعد جامعه میزان احساس برابری و عدم تبعیض در فرصت‌های اجتماعی بین زنان و مردان هم‌چون فرصت‌های آموزشی، قانونی و نظایر آن در نظر گرفته شده است.

### الف-۳) عوامل مطرودساز پیشین

#### تعریف عملیاتی

بعد عینی: عوامل مطرودساز پیشین با شاخص‌هایی در بعد خانواده نظیر طلاق والدین، جدا زندگی کردن از والدین و مرگ یکی از افراد مهم سنجیده شده است. علاوه بر بعد خانواده، در بعد مدرسه هم شاخص‌هایی مانند آزارهای روحی یا جسمی در مدرسه،

<sup>۱</sup> در پژوهش حاضر، سعی بر آن است که حتی‌المقدور از گویه‌های مقیاس‌هایی که در پژوهش‌های پیشین مورد تأیید قرار گرفته‌اند، از جمله مقیاس SCP که توسط یک مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی در هلند طراحی شده است، استفاده شود.

اخراج از مدرسه و هم‌چنین در بعد محل زندگی با شاخص‌هایی نظیر پیوند و رابطه معنوی با اهل محل و همسایگان سنجیده شده است.

بعد ذهنی: برای تعریف عملیاتی این مفهوم شاخص‌هایی نظیر جدا افتادن از گروه یا گروه‌های مهم به واسطه وقوع تجارب ناخوشایندی که در بعد عینی این متغیر به آن اشاره شد، هم‌چنین داشتن احساس منفی نسبت به خود و سایرین و احساس متفاوت بودن با دیگران به واسطه تجارب مذکور در نظر گرفته شده است.

#### الف - ۴) عوامل مطرودمساز دوران‌گذار

##### تعریف عملیاتی

محققان دوران‌گذار از جوانی به بزرگ‌سالی را در سه بعد تحصیل، ازدواج و اشتغال مورد تأکید قرار داده و عدم عبور موفقیت‌آمیز از هر یک از این سه بعد را زمینه‌ساز طرد جوانان می‌دانند (صالحی اصفهانی، ۲۰۰۷). با توجه به این تعریف برای هر یک از ابعاد فوق شاخص‌هایی به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

##### تحصیل

بعد عینی: مشکلات طول دوران تحصیل شامل علاقه به رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل، شکل ارتباط با افراد در محیط تحصیل، ضعف درسی، کمبود امکانات تحصیلی.

بعد ذهنی: نگرش نسبت به تحصیلات دانشگاهی شامل برآورده شدن انتظارات و احساس کارآمد بودن رشته تحصیلی.

##### اشتغال

بعد عینی: وضعیت اشتغال فعلی فرد.

بعد ذهنی: نگرش نسبت به آینده شغلی و اشتغال پس از فارغ‌التحصیلی.



## ازدواج

بعد عینی: وضعیت ازدواج و دلایل عدم ازدواج که در شناسایی عوامل بازدارنده ازدواج یاری دهنده است.

بعد ذهنی: نگرانی‌ها و دغدغه‌های ذهنی نسبت به ازدواج با شاخص‌هایی نظیر امید به ازدواج در آینده، امید به ازدواج موفق در آینده، دغدغهٔ جهیزیه، نگرش نسبت به فرهنگ خواستگاری در جامعه، نگرش نسبت به ازدواج به عنوان عامل یا مانع پیشرفت.

### الف-۵) فقدان مشارکت اجتماعی

تعریف عملیاتی: برای عملیاتی کردن مشارکت اجتماعی از شاخص‌های ارتباط با همسایگان، دوستان و خویشاوندان و هم‌چنین عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های گوناگون استفاده شده است. این گویه‌ها هم با استفاده از مقیاس سنجش طرد اجتماعی (اس. سی. پی) طراحی شده است.

### الف-۶) فقدان حقوق اجتماعی

تعریف عملیاتی: این متغیر با شاخص رعایت حقوق در مراجعه به نهادها و سازمان‌ها تحت شش گویه و نیز شاخص حقوق همسایگی تحت پنج گویه سنجیده شده است. گویه‌های این متغیر نیز از مقیاس اس. سی. پی. استخراج شده است.

### الف-۷) عدم ادغام هنجاری

پای‌بند نبودن به هنجارهای تعریف‌شدهٔ اخلاقی و فرهنگی یکی از وجوه طرد اجتماعی است که در مقاله حاضر با عنوان عدم ادغام هنجاری از آن یاد شده است. این تعریف بر مبنای رویکرد فرانسوی یا همان رویکرد همبستگی<sup>۱</sup> در تعریف طرد اجتماعی است. بر مبنای تعریف این رویکرد، نظم اجتماعی، حول ارزش‌های مشترک و هنجارهایی که

<sup>۱</sup> Soladarity

از طریق میانجی‌گری نهادها و سیاست‌های منسجم‌کننده به کار بسته می‌شود، انباشته شده است (ای. اس. سی. دبلیو. ا، ۲۰۰۷). بنابراین، در نقطهٔ مقابل آن، یعنی طرد اجتماعی، روابط بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقض و قطع می‌شود. تعریف عملیاتی: در تعریف عملیاتی این متغیر، شاخص پابندی به هنجارهای اخلاقی تحت شش‌گویه تدوین شده است. گفتنی است که گویه‌های شماره ۱ تا ۳ از مقیاس اس. سی. پی. استخراج شده و گویه‌های شماره ۴ تا ۶ براساس تعریف مفهومی طراحی شده است.

### ۳. ۱. ۳. خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد

بنا به تعریف آبرکامبی و وارد (۱۹۹۶) خرده‌فرهنگ‌های جوانی عموماً از سه ویژگی مهم برخوردارند:

ویژگی نخست، محوریت آن‌ها بر فراغت به جای کار است. ویژگی دوم سازمان‌یافتگی خرده‌فرهنگ‌های جوانان حول گروه‌های هم‌سال و تجلی جمعی آن، علاوه بر تجلی فردی و سرانجام ویژگی سوم، توجه خاص این خرده‌فرهنگ‌ها به سبک می‌باشد (آبرکامبی و وارد، به نقل از ذکایی، ۱۳۸۶: ۵۳ و ۵۲).

بنابراین در تعریف خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد، هر یک از این سه ویژگی با تکیه بر موافقت و هم‌سوئی آن‌ها با پدیدهٔ اعتیاد یعنی اوقات فراغت موافق اعتیاد، هم‌سالانی که نسبت به اعتیاد‌گرایش دارند و نیز سبک رفتارهای موافق اعتیاد، مدنظر قرار گرفت.

### تعریف عملیاتی

با توجه به سه ویژگی یاد شده برای متغیر خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد، تعریف عملیاتی هر یک از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. گذران اوقات فراغت موافق اعتیاد: این مؤلفه با دو شاخص نوع مهمانی‌هایی که فرد در آن‌ها شرکت می‌کند و نوع سایت‌های اینترنتی که فرد از آن‌ها به میزان بیشتری استفاده می‌کند آورده شده است.

۲. ارتباط با گروه هم‌سالان موافق اعتیاد: این مؤلفه با شاخص ارتباط با دوستان مصرف‌کننده مواد و نیز شاخص درجه همراهی با دوستان تعریف شده است. مصرف سیگار و الکل، هم‌چنین نوع موسیقی مورد علاقه و نگرش نسبت به حجاب نیز از شاخص‌های دیگر در این زمینه می‌باشند.

### ۳. ۱. ۴. متغیرهای زمینه‌ای

منظور از متغیرهای زمینه‌ای در این مطالعه، متغیرهایی هستند که در مقایسه با متغیرهای تبیین‌گر اصلی، نقش زمینه‌ساز را ایفا می‌کنند. در مقایسه حاضر، دو متغیر /گروه تحصیلی/ و /محل سکونت دوران دانشجویی/ به عنوان متغیرهای مهم زمینه‌ای مورد آزمون قرار می‌گیرند.

### اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> ابزار سنجش

جدول ۲. میزان پایایی مقیاس‌ها

پایایی	متغیر	پایایی	متغیر
۰/۶۶۷	عوامل مطرودمساز دوران گذار	۰/۹۳۴	آمادگی برای اعتیاد
۰/۶۷۸	فقدان حقوق اجتماعی	۰/۸۳۶	محرومیت مادی
۰/۶۸۷	فقدان مشارکت اجتماعی	۰/۸۸۸	محرومیت جنسیتی
۰/۷۶۱	عدم ادغام هنجاری	۰/۸۸۶	عوامل مطرودمساز پیشین

<sup>1</sup> Validity

<sup>2</sup> Reliability

این مقاله، در مورد ارزیابی اعتبار صوری متغیرهای مستقل و پرسش‌نامه، بر نظر متخصصان تکیه کرده است. ضمن این که تعدادی از شاخص‌هایی که در گویه‌های مختلف استفاده شده نیز در مطالعات و پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته و اعتبار آن‌ها، پیش از این تأیید شده است.

اعتبار متغیر وابسته این پژوهش یعنی آمادگی برای اعتیاد نیز، از طریق استفاده از مقیاس استاندارد شده آی‌اس پی اس، حاصل گردیده است!

برای احتساب روایی مقیاس‌ها، از آلفای کرونباخ یا شاخص پایایی کل مقیاس، با دامنه صفر تا یک استفاده گردیده است.

#### ۴. یافته‌ها

##### ۴.۱. یافته‌های توصیفی

در این تحقیق تعداد ۳۸۴ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند که در بازه سنی ۱۹ تا ۳۰ سال با میانگین سنی ۲۲/۵ سال می‌باشند. حدود ۹۴ درصد دانشجویان مورد بررسی مجرد و ۶ درصد آن‌ها نیز متأهل هستند. قریب به ۶۵ درصد از آن‌ها فارس، ۱۶/۴ درصد ترک و مابقی از قومیت‌های دیگر هستند. ۴۴ درصد از پاسخ‌گویان از خانواده‌هایی با درآمد بالاتر از ۹۰۰ هزار تومان، ۲۴ درصد با درآمد بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان، ۲۷ درصد با درآمد بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۵ درصد نیز با درآمد زیر ۴۰۰ هزار تومان می‌باشند. از نظر سطح سواد والدین، ۱۴ درصد پدران پاسخ‌گویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۵ درصد دیپلم، ۵۱ درصد نیز بالای دیپلم می‌باشند. در مورد مادران درصدهای مذکور به ترتیب ۲۳ درصد، ۴۵ درصد و ۳۲ درصد است. ۶۸ درصد پاسخ‌گویان در مقطع کارشناسی، ۲۲/۱ درصد در مقطع

<sup>oe</sup> طراح این مقیاس، جهت محاسبه اعتبار آن، از اعتبار سازه و اعتبار ملاک بیرونی استفاده کرده است.

کارشناسی ارشد، ۸/۶ درصد در مقطع دکتری و ۱/۳ درصد نیز در مقطع کاردانی تحصیل می کنند. هم چنین ۷۴ درصد از جمعیت مورد مطالعه در منزل شخصی همراه با خانواده، ۱۹ درصد از آن ها در خوابگاه، ۲ درصد در منزل شخصی همراه با دوستان و ۲ درصد نیز در منزل شخصی به تنهایی زندگی می کنند.

#### ۴. ۱. ۱. متغیر وابسته: آمادگی برای اعتیاد

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، میزان آمادگی برای اعتیاد/ به عنوان متغیر وابسته تحقیق حاضر شناخته می شود. اطلاعات به دست آمده نشان می دهد که حدود دو سوم پاسخ گویان این تحقیق (۶۲ درصد) از آمادگی /کم/ برای اعتیاد برخوردار بوده اند. نزدیک به یک سوم (۳۳ درصد) از پاسخ گویان در حد متوسط برای اعتیاد آمادگی داشته اند و نزدیک به ۵ درصد از پاسخ گویان نیز آمادگی بالایی برای اعتیاد از خود نشان داده اند. بنابراین، در مجموع می توان گفت طبق داده های به دست آمده از این سنجش، قریب به ۴۰ درصد (جمع مقادیر متوسط و زیاد) دانشجویان مورد بررسی، از آمادگی /متوسط تا بالا/ برای اعتیاد برخوردار بوده اند، که در جمعیت ویژه مورد بررسی (دانشجویان دختر) بسیار قابل تأمل و هشدار دهنده است.

#### ۴. ۱. ۲. تجربه حوادث مطرودساز

اطلاعات حاصل از این تحقیق نشان می دهد که ۴۶ درصد (۱۵۷ نفر) از پاسخ گویان به میزان /کم/ در معرض حوادث و عوامل مطرودساز یاد شده قرار داشته اند، ۴۳ درصد از آن ها تجربه ای در حد /متوسط/ از این عوامل و شرایط داشته اند و ۱۱ درصد از پاسخ گویان نیز تجربه زیادی از حوادث و وقایع منفی در طول زندگی شان داشته اند. در مجموع، داده های به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که قریب به ۵۴ درصد (جمع مقادیر متوسط و زیاد) افراد مورد بررسی، از تجربه منفی حوادث

مطروذساز در طول زندگی خود آسیب دیده‌اند که زمینه‌ساز گرایش‌های منفی بعدی آنان، از جمله گرایش به اعتیاد، نیز خواهد بود.

#### ۴. ۲. یافته‌های تحلیلی

#### ۴. ۲. ۱. روابط دو متغیره

سه متغیرهای مستقل زمینه‌ای: گروه تحصیلی، محل سکونت دوران دانشجویی

جدول ۳. رابطه «گروه تحصیلی» و «آمادگی برای اعتیاد»

سطح معناداری	مقدار اف	میانگین‌ها	تعداد	
۰/۰۰۰	۶/۹۹۸	۶۷/۰۲۹۱	۱۰۳	علوم انسانی
		۶۷/۷۴۴۲	۸۶	فنی و مهندسی
		۶۸/۷۶۶۷	۶۰	علوم پایه
		۷۳/۳۲۰۰	۵۰	پزشکی
		۸۰/۳۹۷۶	۸۳	هنر

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین دو متغیر «گروه تحصیلی» و «آمادگی برای اعتیاد» وجود دارد. به عبارت دیگر میزان آمادگی برای اعتیاد در بین پاسخ‌گویان برحسب گروه تحصیلی آن‌ها متفاوت است.

در میان گروه‌های آموزشی پنج‌گانه، پاسخ‌گویان رشته هنر بیشترین آمادگی برای اعتیاد را از خود نشان داده‌اند. دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی، علوم پایه و فنی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. داده‌ها حاکی از آن است که پاسخ‌گویان رشته‌های علوم انسانی کمترین آمادگی را برای اعتیاد نشان داده‌اند.

اطلاعات مربوط به رابطه بین نوع سکونت در دوره دانشجویی و آمادگی برای اعتیاد در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴. رابطه بین محل سکونت دوران دانشجویی و آمادگی برای اعتیاد

محل سکونت دوران دانشجویی	تعداد	میانگین‌ها	مقدار اف	سطح معنی‌داری
منزل - همراه با دوستان	۵۰	۷۲/۳۵۸۴	.۸۶	۰/۰۰۰
منزل به تنهایی	۶۰	۶۸/۶۴۰۰		
منزل - همراه با خانواده	۱۰۳	۵۹/۳۳۳۳		
خوابگاه	۸۶	۶۲/۳۳۳۳		

چنان که مشاهده می‌گردد رابطه معنی‌داری بین دو متغیر «نوع سکونت در دوره دانشجویی» و «آمادگی برای اعتیاد» وجود دارد. به عبارت دیگر میزان آمادگی برای اعتیاد در بین پاسخ‌گویان برحسب نوع سکونت آن‌ها در دوران دانشجویی شان متفاوت است. پاسخ‌گویانی که دوره دانشجویی خود را در منزل و به همراه دوستان خود می‌گذرانند بیشترین آمادگی را برای اعتیاد از خود نشان داده‌اند. افرادی که دوره دانشجویی خود را به تنهایی در یک منزل سپری می‌کنند و دانشجویان خوابگاهی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مقابل گروه‌های یاد شده، پاسخ‌گویانی که دوره دانشجویی خود را با خانواده می‌گذرانند کمترین آمادگی را برای اعتیاد نشان داده‌اند.

این بررسی گرچه تأثیر دوری از خانواده بر افزایش گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، ولی بیان‌گر این واقعیت نیز هست که چنان‌چه دوری از خانواده، با متغیر محیط مساعد (تنهایی یا داشتن دوستان احتمالاً آسیب‌دیده و خطر ساز) همراه شود، نقشی مخرب‌تر در سوق دادن فرد به سمت انحراف (اعتیاد) خواهد داشت. این بررسی سلامت محیط خوابگاه‌های دانشجویی را به عنوان بهترین گزینه نسبتاً ایمن ساز پس از محیط خانواده نیز نشان می‌دهد.

متغیرهای مستقل اصلی: عوامل و شرایط مطرودساز، خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد، جداول ۵ و ۶ ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را نشان می دهد.

جدول ۵. ضرایب همبستگی پیرسون - متغیر کلی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
عوامل و شرایط مطرودساز	۰/۳۸۳	۰/۰۰۰
خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد	۰/۵۷۰	۰/۰۰۰

تمام متغیرهای مستقل کلی و جزئی (عوامل و شرایط مطرودساز و ابعاد آن، و نیز خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد و ابعاد آن) به استثنای مؤلفه /فقدان حقوق اجتماعی /رابطه مثبت و معناداری را با متغیر وابسته (آمادگی برای اعتیاد) نشان می دهند که نتایج آن در جدول شماره ۶ آمده است:

جدول ۶. ضرایب همبستگی پیرسون - متغیرهای جزئی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
محرومیت مادی	۰/۳۷۶	۰/۰۰۰
محرومیت جنسیتی	۰/۲۲۲	۰/۰۰۰
عوامل مطرود ساز پیشین	۰/۳۳۰	۰/۰۰۰
عوامل مطرود ساز دوران گذار	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰
فقدان حقوق اجتماعی	۰/۰۹۵	۰/۰۸۵
فقدان مشارکت اجتماعی	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰
عدم ادغام هنجاری	۰/۵۰۷	۰/۰۰۰
سیک رفتار موافق اعتیاد	۰/۴۶۰	۰/۰۰۰
اوقات فراغت موافق اعتیاد	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰
ارتباط با هم سالان موافق اعتیاد	۰/۲۵۱	۰/۰۰۰



داده‌های جدول فوق حاکی از این است که در نمونه مورد بررسی متغیر کلی خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد با ضریب همبستگی  $0/57$  رابطه‌ای قوی با آمادگی برای اعتیاد دارد. متغیر کلی طرد اجتماعی (مجموع عوامل و شرایط مطروذساز) از این جهت در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و رابطه آن با آمادگی برای اعتیاد نیز در حد متوسط است ( $0/383 = \text{آر}$ ).

از میان مؤلفه‌های سه‌گانه (متغیرهای جزئی) خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد، مؤلفه  $0/460$  دارای قوی‌ترین رابطه و دو متغیر ارتباط با هم سالان درگیر اعتیاد و اوقات فراغت موافق اعتیاد به ترتیب با ضرایب  $0/251$  و  $0/249$  از همبستگی ضعیف‌تری با متغیر آمادگی برای اعتیاد برخوردارند.

#### ۴. ۲. ۲. روابط چندمتغیره

تحلیل رگرسیونی: برای آزمون روابط چندگانه و هم‌زمان میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از تحلیل رگرسیونی با روش گام به گام استفاده کرده‌ایم. ابتدا متغیرهای کلی و سپس ابعاد و مؤلفه‌های جزئی مربوط به آن‌ها وارد دستگاه رگرسیونی شده است.

نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل کلی و متغیر وابسته، همبستگی مثبت قوی ( $0/775 = \text{آر}$ ) وجود دارد.

بنابر یافته‌ها، ضریب تعیین  $0/587$  بیانگر این است که متغیرهای مستقل یاد شده در مدل رگرسیونی در مجموع توانسته‌اند حدوداً  $58$  درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین (پیش‌گویی) کنند. این یافته حاکی از تأثیر و مداخله جدی و اساسی متغیرهای مطرح در مدل نظری و قابلیت بالای آن در پیش‌گویی مسئله گرایش به اعتیاد است.

جدول ۷. ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار تی	سطح معنی داری
حوادث مطرودساز	۰/۵۲۰	۵/۸۱	۰/۰۰۰
خرده فرهنگ موافق اعتیاد	۰/۴۰۵	۴/۵۳	۰/۰۰۰
آر=۰/۷۷۵		مجدور آر = ۰/۵۸۷	

همان‌طور که در جدول شماره ۷ نیز مشاهده می‌شود، متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تحلیل شامل «خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد» و «حوادث مطرودساز»، تأثیر معنی داری بر متغیر «آمادگی برای اعتیاد» نشان می‌دهند. هم‌چنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که هرچند هر دو متغیر مورد بحث از ارتباطی معنی دار برخوردار بوده‌اند، اما از نظر شدت، متغیر «حوادث مطرودساز» دارای ضریب بتای بالاتری (۰/۵۲۰) نسبت به متغیر «خرده فرهنگ جوانی موافق اعتیاد» (۰/۴۰۵) در تحلیل و پیش‌گویی گرایش به اعتیاد است که این یافته در واقع تأیید‌کننده سؤال و فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر اهمیت متغیر طرد در بررسی اعتیاد می‌باشد.

در مرحله بعد برای انجام تحلیل رگرسیونی دقیق‌تر، ۱۰ مؤلفه مربوط به مجموعه متغیرهای اصلی پژوهش و متغیر وابسته را وارد دستگاه رگرسیونی نمودیم که بر اساس یافته‌های به دست آمده، بین مؤلفه‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق، یعنی آمادگی برای اعتیاد نیز، همبستگی مثبت بسیار قوی (۰/۸۱۴=آر) وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۶۴۷) بیانگر این است که متغیرهای مستقل جزئی مطرح در مدل رگرسیونی، در مجموع توانسته‌اند حدوداً ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بنابراین مدل نظری پژوهش در سطح متغیرهای مستقل جزئی (ابعاد و مؤلفه‌ها) از

استحکام و قابلیت بالایی در پیش‌بینی مسئله گرایش به اعتیاد در میان دختران و زنان جوان برخوردار است.

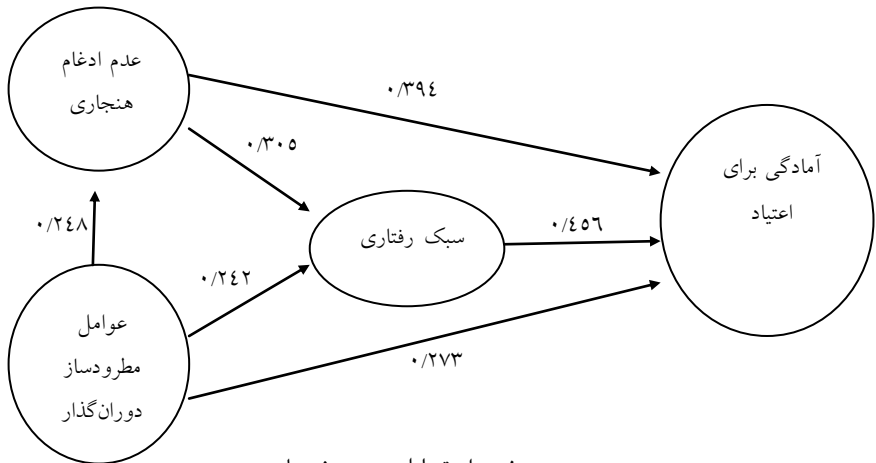
جدول ۸. ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون

متغیرهای وارد شده	ضرایب (بتا)	مقدار t	سطح معنی‌داری
سبک رفتاری	۰/۴۴۸	۵/۴۳	۰/۰۰۰
عوامل مطرودساز دوران گذار	۰/۳۴۶	۴/۵۴	۰/۰۰۰
عدم ادغام هنجاری	۰/۳۳۹	۴/۳۴	۰/۰۰۰
آر=۰/۸۱۴ مجذور آر تعدیل شده =۰/۶۴۷			

ضرایب بتا، نشان‌گر این است که از میان ۱۰ مؤلفه مذکور، سه متغیر جزئی عدم ادغام هنجاری، عوامل مطرودساز دوران گذار و سبک رفتاری، رابطه معنی‌داری با متغیر «آمادگی برای اعتیاد» نشان می‌دهند. در میان سه مؤلفه باقی‌مانده در مدل رگرسیونی، مؤلفه /سبک رفتاری/ با ضریب بتای ۰/۴۴۸ دارای بالاترین تأثیر در متغیر وابسته است. دو مؤلفه دیگر، یعنی /عوامل مطرودساز دوران گذار/ و /عدم ادغام هنجاری/ که از مؤلفه‌های هفت‌گانه متغیر کلی/ عوامل و شرایط مطرودساز/ محسوب می‌شوند، به ترتیب با بتای ۰/۳۴۶ و ۰/۳۳۹ در درجه دوم اهمیت از نظر رابطه با متغیر وابسته قرار می‌گیرند.

### تحلیل مسیر

نتایج حاصل از تحلیل مسیر انجام شده میان ابعاد متغیرهای مستقل اصلی با متغیر وابسته که در نمودار زیر نشان داده شده است حاکی از این است که متغیرهای عدم ادغام هنجاری و عوامل مطرودساز دوران گذار علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق متغیر سبک رفتاری (واسط) نیز با متغیر وابسته آمادگی برای اعتیاد رابطه دارند. بر این اساس مدل نظری تحقیق از برازندگی قابل قبولی برخوردار است.



نمودار تحلیل مسیر متغیرها

در مجموع یافته‌های تحلیل چندمتغیره نشان داد هر چند بر حسب مدل نظری مبنا، تمامی مؤلفه‌های وجوه چندگانه طرد اجتماعی مهم به نظر می‌رسیدند و روابط همه آن‌ها با متغیر وابسته در فرضیات، مفروض گرفته شده بود، اما در بررسی تجربی این مدل در جمعیت نمونه پژوهش حاضر، یعنی جمعیت دختران جوان و دانشجو، ابعادی از عوامل و شرایط مطرودساز که ارتباط بیشتری با مقوله جوانی و جوانان دارد، یعنی شرایط مطرودساز دوران گذار (انتقال از جوانی به بزرگسالی) و عدم ادغام هنجاری (انفصال از هنجارهای اخلاقی و قانونی جامعه) رابطه معنی‌دارتری با متغیر وابسته از خود نشان داده است.

عوامل مطرودساز دوران گذار، که بنا به تعریف، عوامل و شرایطی است که در عبور فرد از سه مرحله تحصیلات، ازدواج و اشتغال، اختلال ایجاد کرده و ورود او را به دنیای بزرگسالی به تعویق می‌اندازند، یکی از مهم‌ترین علل مؤثر بر آمادگی برای اعتیاد، در جمعیت پژوهش حاضر شناخته شده است.

هم‌چنین، عدم ادغام هنجاری، جنبه دیگری از عوامل و شرایط مطرودساز است که به نظر می‌رسد در جمعیت دختران جوان دانشجو، توضیح‌دهنده خوبی برای آمادگی برای اعتیاد بوده است.

با توجه به تغییرات ساختاری جامعه در رابطه با زنان و کاهش کنترل‌های اجتماعی بر روی آنان، طبیعتاً پیروی از هنجارهای رسمی، شرعی و اخلاقی در جامعه، توسط زنان و دختران جوان با کاهش روبه‌رو شده و این امر می‌تواند در گرایش آنان به سمت انواع آسیب‌ها مؤثر قلمداد شود.

سبک رفتاری، دیگر مؤلفه متغیر خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد است که بنا بر نظریه اندرسون، جزء منابع تعیین اجتماعی برای فرد محسوب می‌شود. پیروی از سبک رفتاری موافق اعتیاد نیز، عامل مهم دیگری است که بر آمادگی برای اعتیاد در افراد مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله، که برآمده از پژوهشی میدانی در زمینه گرایش به مواد مخدر و علل آن در میان دانشجویان است، سعی شده است براساس یک مدل مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات مواد مخدر، فهم عمیق‌تری از علل اجتماعی-روانی و روندهای دراز مدت درگیری افراد و گروه‌های پرخطر (در معرض طرد انزوای اجتماعی دیرپا) در اعتیاد، به دست داده شود.

زنان جوان، از جمله مصادیق این گونه گروه‌ها در جامعه هستند که گرایش آنان به سوء‌مصرف مواد مخدر در سال‌های اخیر زیادتر شده است و بنابراین، چارچوب تحلیلی طرد یا به حاشیه رانده شدن اجتماعی و مفاهیم مطرح در آن، مدل مناسبی برای جستجوی عمیق‌تر درباب مسایل آسیبی آن‌ها، از جمله اعتیاد خواهد بود.

طرد اجتماعی، یک متغیر برآیندی و نتیجه انباشت محرومیت‌های عینی و ذهنی کسانی است که میزان محرومیت‌های آنان نسبتاً بالاست و فقدان‌های مهمی را در طول زندگی‌شان تجربه کرده‌اند و احساس می‌کنند به خاطر تعلق به گروه خاص و یا در اثر وقوع حوادث جداساز، با اعضای عادی جامعه متفاوت بوده و در جایگاهی مادون، فضایی آغشته به تبعیض و در مجموع در حاشیه جریان اصلی زندگی عمومی در جامعه قرار دارند. چنین شرایطی موجب می‌شود آنان امتیاز بالایی به خود، اطرافیان و زندگی‌شان ندهند و ناتوان از کنترل و مراقبت از خود در برابر خطرات محیطی و اجتماعی، در پی جبران خلأهای هویتی، به سوی خرده‌فرهنگ‌های جوان هویت‌بخش و مرتبط با مواد مخدر (به عنوان ساختار فرصت جایگزین) و نهایتاً اعتیاد کشیده شوند. یافته‌های پژوهش تجربی ما در میان دختران دانشجو، پشتیبانی نیرومندی برای مدل مفهومی مبنا - که در اصل یک مدل پیشگو در مسئله گرایش به مواد به حساب می‌آید و قادر است افراد مستعد را شناسایی کند - فراهم کرده است.

ما در آزمون فرضیات تحقیق پشتوانه آماری معنی‌داری برای دو فرض کلی یافتیم: اول این فرض که تجربه‌ها و احساس‌های طرد و حاشیه‌نشینی اجتماعی در طول زندگی فرد می‌تواند متغیر پیش‌بین مهمی در آمادگی برای اعتیاد باشد. ضرایب رگرسیون استاندارد شده نشان می‌دهد که دست کم دو مؤلفه متغیر طرد اجتماعی، یعنی /عدم ادغام هنجاری/ (۰/۳۳۹) و /عوامل مطرودساز دوران گذار/ (۰/۳۴۶) به طور مستقیم و مثبتی با متغیر آمادگی برای اعتیاد مرتبط است. یافته‌های ما در این خصوص همسوبا نتایج سنجش مدل طرد اجتماعی در میان معتادان درگیر مواد مخدر در غرب (میشیگان) می‌باشد. تعداد معناداری از پاسخ‌گویان در آن پژوهش گزارش کرده‌اند که قبل از واردشدن در خرده‌فرهنگ مواد مخدر، از آن‌چه در جامعه پیرامون آنان /هنجاری/ بوده یا مقبولیت اجتماعی داشته است، احساس جدایی می‌کردند. همین

جدایی یا عدم ادغام هنجاری، در کنار تجارب طرد و حاشیه‌ای شدن اجتماعی، رشد هویت منفی در چنین افرادی را تسهیل کرده و از طریق کوشش برای احراز هویت جایگزین در خرده‌فرهنگ‌های مرتبط با مواد، به سوء مصرف مواد مخدر می‌انجامد (اندرسون، ۱۹۹۸).

فرض دوم ما مبنی بر رابطه بین /خرده‌فرهنگ جوانی موافق اعتیاد/ با آمادگی برای سوء مصرف مواد نیز در جمعیت مورد بررسی به تأیید قوی رسیده است. یافته‌ها مؤید این امر است که آمادگی برای اعتیاد، ریشه در گسست‌های اساسی در پیوند مثبت و ادغام کامل فرد (جوان) با جامعه بزرگ‌تر دارد که موجب گرایش به سمت خرده‌فرهنگ‌های جوانی مرتبط با مواد مخدر شده و چنین پیوندهای جایگزینی، جوانان (دختران) آسیب‌دیده و مستعد را به سمت مواد مخدر سوق می‌دهد.

در مجموع بر مبنای یافته‌های این پژوهش و همسو با مشاهدات اندرسون در این زمینه، می‌توان نتیجه گرفت که تبعیض جنسیتی و ساختارهای هنجاری محدود کننده زنان، دامنه و شدت طرد تجربه شده و حاشیه‌گزینی دختران و زنان جوان را افزایش می‌دهد و این وضعیت، منجر به رانده شدن آنان به سمت خرده‌فرهنگ‌های آسیب‌زا (حاضر در محیط‌های فعلی) و سبک‌های زندگی و هنجارهای مطرح در آنها می‌شود. پس طرد (عینی و ذهنی) زنان، نقش انگیزشی قوی در فرآیندهای گرایش به مواد داشته و در واقع، اعتیاد زنان و دختران جوان، از مسیر طرد اجتماعی مزمن آنان می‌گذرد.

در این راستا نتایج پژوهش حاضر در جامعه دانشگاهی حاکی از این است که برخلاف تصور عموم، هویت مثبت و منزلت بالای دانشجویی و دانشگاهی نیز قادر نیست تأثیرات منفی و مخرب تجربه طرد و انزوای مزمن در دختران و زنان جامعه ما را از بین ببرد و آنان را در گذار موفق از جوانی به دنیای بزرگ‌سالی یاری کند.

## منابع

- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: آگه.
- رحیمی موقر، آفرین (۱۳۸۳) «بررسی روند سوء مصرف مواد در زنان»، *اعتیادپژوهی*، سال دوم. شماره ۷: ۴۵-۶۲.
- زرگر، یداله (۱۳۸۵) «ساخت مقیاس ایرانی آمادگی اعتیاد»، *دومین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران*: ۴۰۱-۳۹۸.
- زیرا، مارتین (۱۳۸۵) *نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی*، ترجمه سید حسن حسینی، تهران: آن.
- سراج‌زاده، سیدحسین و ایرج فیضی (۱۳۸۳) *شیوع‌شناسی مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- طارمیان، فرهاد (۱۳۸۵) *شیوع‌شناسی مصرف مواد مخدر در میان دانشجویان شهر تهران و بررسی عوامل خطر و حفاظت‌کننده*، تهران: دفتر مرکزی مشاوره معاونت دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- لیتری، دن جی (۱۳۸۴) *نظریه‌های سوء مصرف مواد مخدر*، ترجمه شروین وکیلی و همکاران، تهران: جامعه و فرهنگ.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- محمودی، وحید و سید قاسم صمیمی فر (۱۳۸۴) «فقر قابلیت»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷: ۳۲-۹.
- Anderson, Tammy L. (1993) "Type of Identity Transformation in Drug-using and Recovery Curreeds", *Journal of Sociological Focus* 26 (2):133-144.
- Anderson, Tammy L. (1994.a) "Drug abous and Identity: Linking Micro and Macro actof", *The Sociological Quarterly* 35 (1): 159-174.



- Anderson, Tammy L. & Frank Ripullo (1994,b) "Social Setting, Stigma Management and Recovering Drug Addicts", *Humanity and Society*, 20 (3): 241.
- Anderson, Tammy L. (1998a) "A Cultural Identity Theory of Drug Abuse", *Journal of Sociology of Crime and Deviance*, 1: 233-262.
- Anderson, Tammy L. (1998b) "Delegated Identity Change: Theoretical Development and Empirical Assessment of Drug Issues", *Journal of Drug Issues*, 28 (2): 299-328.
- Anderson, Tammy L. (1998c) "Drug Identity Change Processes: Race, and Gender", *Journal of Substance Use and Misuse*, 12: 2462-2489.
- Anderson, Tammy L. (1999) "Drug Use and Gender: Self-Destructive Behavior And Dissolved Identity", *Journal of Drug Issues*, 29: 288.
- Buchanan, Julian (2004) *Missing Links between Problem Drug Use and Social Exclusion*.
- [www.prb.sagepub.com/cgi/content/abstract/51/4/387](http://www.prb.sagepub.com/cgi/content/abstract/51/4/387)
- ESCWA (Economic and Social Commission for Western Asia) (2007) "Literature review on social exclusion in the Escwa region", [www.Elescwa/sdd/2007/wp.4](http://www.Elescwa/sdd/2007/wp.4)
- Jehoel, Gijbers, (2001) "Explaining Social Exclusion", the Netherlands for Social Research, <http://www.scp.nl/english>
- Morgan, Craig, et al. (2007) "Social Exclusion and Mental Health: Conceptual and Methodological Review", *British Journal of Psychiatry*, 191: 477-483.
- Munk, Martin D. (2002) "Gender, Marginalization and Social Exclusion", Background Paper for the Conference, [www.unhcr.org/refugees/2002/09/20020926](http://www.unhcr.org/refugees/2002/09/20020926)
- Paskell, Carolin. (2004) "Causes and Effects of Delinquent Behavior and Social Exclusion", Center for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics, UK.
- Peace, Robin (2001) "Social Exclusion: A Concept in Need of Definition", Knowledge Management Group, Ministry of Social Policy, *Social Policy Journal of New Zealand*, 16: 167-173.

- Salehi Esfahan, Dgavad (2001) "Youth Exclusion in Iran: The State of Education, Employment and Family Formation", Middle East Youth Initiative Working Paper. [www.youthinexclusion.org](http://www.youthinexclusion.org).
- Sen, Amartya (2000) "Social Exclusion: Concept, Application and Scrutiny", Asian Development Bank.
- Social Exclusion Unit (2004) *Tackling Social Exclusion: Taking Stock and Looking to the Future*. Emerging Findings. London: Crown Publications.
- Silver, Hilary (1994) "Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms", *International Labour Review* 133 (5): 531-518.
- Silver, Hilary (1995) "Reconceptualizing Social Disadvantage: Three Paradigms of Social Exclusion". *International Institute Labor Studies*.
- Stranges, Manuela (2007) "Social Exclusion in the Italian Regions: A Synthetic Approach of Measurement", Department of Economics and Statistics, University of Calabria.
- UNICEF (2007) "Social Policy, Social Protection and Child Protection", Social Policy Cluster, Child Protection Cluster, UNICEF ROSA.